

یادی از سال‌های از دست رفته

مهدی کریم‌پور

کریم پور، مهدی - ۱۳۱۵
یادی از سال‌های از دست رفته / مهدی کریم پور - تهران: مهدی
کریم پور، ۱۳۸۳.
۱۴۴ ص

ISBN 964-06-5661-5:

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. کریم پور، مهدی، ۱۳۱۵. خاطرات -

۲. ایران - کارمندان دولت - خاطرات.

الف. عنوان

ی ۲/ک ۴/ ۲۵ CT ۹۲۰

کتابخانه ملی ایران

۸۳-۲۸۹۳۴ م

یادی از سال‌های از دست رفته

مهدی کریم پور

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۱۰۰

طرح جلد: هومن کاظمیان

حروفچینی و صفحه‌آرایی: لیلا شقاقی

چاپ: تکثیر

ناشر: مؤلف

شابک: ۵-۵۶۶۱-۰۶-۹۶۴

نقل مندرجات این کتاب بدون ذکر مأخذ ممنوع است.

فهرست

۳	مقدمه
۷	روزگار کودکی
۲۹	دوران نوجوانی
۴۷	ایام جوانی به بعد
۱۰۹	خاطرات جنگ تحمیلی
۱۱۳	یادداشت‌های دیگر

به نام خدا

مقدمه

انسان در دوران حیات خود مراحل را طی می‌کند که بخشی از آن در توان و امکان اوست و بقیه از اختیار او خارج است. در مورد اول تحقق خواسته‌های هر کس به تلاش او بستگی دارد که اگر واقعاً چیزی را طلب کند و بخواهد به آن خواهد رسید. و اما بقیه امور به عوامل گوناگون وابسته است که ارتباط چندانی با توانایی‌های بشر ندارد. در این خصوص مثال‌های فراوان می‌توان زد. مثلاً زمامدار کشوری در کمال آرامش به کرسی قدرت تکیه زده است ناگهان حوادثی اعم از داخلی یا خارجی به وقوع می‌پیوندد و او را از اریکه فرمانروایی به زیر می‌افکند که هیچگاه در تصورش نبوده است و حتا دیده شده بسیاری از دانشمندان که جز در طریق علم و دانش گامی برنداشته‌اند به ناگهان زندگی‌شان دچار دگرگونی و آشوب می‌گردد. بهترین نمونه اینشتین دانشمند بزرگ است که با قدرت گرفتن سرجوخه‌ای چون هیتلر از خانه و کاشانه‌اش آواره می‌گردد.

به یاد دارم زمانی اگر دانشجویی در رشته پزشکی وارد می‌شد نسبت به سایر رشته‌های عالی آینده مطمئنی داشت اما در روزگار ما با کمال تأسف این قشر

تحصیل کرده از لحاظ شغلی چندان از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند و حال آن که جدیت در تحصیل و موفقیت در آن در توان او بود لکن وضعیت اجتماعی و بازار کار عللی پدیدار آورده که به دور از امکانش است. فلذا وی قرین آسایش نمی شود. در حالی که دقیقاً یک نسل پیش از او قضیه عکس این بود. در این جا هدف از این مقدمه بیان این مطلب است. گرچه من به علت محاسبه هایی که کردم در سازمانی به نام ثبت اسناد و املاک کشور شاغل شدم و توان آن را پیدا کردم که پله های ترقی اداری را یکی پس از دیگری در این سازمان طی کنم؛ اما حوادثی که در حدود چهل سال خدمت با آن دست به گریبان بودم حقاً برخلاف میل و اراده من بود و حتا در مواردی از آن ها بیزار بودم.

در نتیجه اگر در یادداشت هایی که در پیش رو دارید شکوه های فراوان از این تشکیلات بروز داده ام آن را در شمول بخش دوم می دانم که در بالا آمده است و راضی نیستم این تصور حاصل شود چرا این همه گلایه کرده ام. جواب این است فرار از این ورطه از توان من خارج بود. و ای بسا دلم می خواست در زندگی سر و کارم با قلم و نگارش باشد نه در دستگاهی که به عقیده من پیوسته کارش در رابطه با مال و منال و امور دنیوی است و به عللی از اشاره به جزئیات این سخن می گذرم؛ و نیز در تهیه نگارش خاطراتم سعی من این بوده که قدم به قدم در خلال پرداختن به مسائل شخصی و اداری از بیان مسائل اجتماعی و علل و چگونگی آن غافل نباشم و روشن گردد که مردم چند دهه قبل با چه چیزهایی دست به گریبان بوده اند.

باشد که مطالعه آن ها مفید افتد و ملال خاطر خواننده را فراهم نسازد تا چه در نظر آید.

مهدی کریم پور

تهران دی ماه ۱۳۸۲